

مجیدمجیدی:

فیلم «ایستاده در غبار»  
اتفاق بزرگی در سینماست

در سومین روز برگزاری جشنواره فیلم فجر، اکران فیلم «ایستاده در غبار» در کاخ رسانه‌ای برج میلاد با واکنش‌های مثبتی از سوی هنرمندان و اهالی رسانه‌ها همراه بود، به نحوی که محمدحسین مهدویان، کارگردان این فیلم را می‌توان پدیده این دوره از جشنواره دانست. یکی از افرادی که پس از تماشای این فیلم به اظهار نظر درباره‌اش پرداخت، مجید مجیدی، کارگردان نام‌آشنای سینمای ایران بود که اعتقاد دارد، فیلم «ایستاده در غبار» اتفاق بزرگی در سینما است و از نظر تکنیکی و از جهت پرداخت، ساخت چنین فیلمی جسارت بسیار بزرگی را می‌خواهد. کارگردان فیلم «محمد رسول‌الله(ص)» در این باره گفت: «ایستاده در غبار» می‌تواند حلقه مفقوده در سینمای دفاع مقدس باشد که توسط محمدحسین مهدویان به تصویر کشیده شده است؛ فیلمساز مبتکر، جسور و خلاق‌ی که می‌تواند یک پدیده در این سینما باشد. مجیدی ادامه داد: در طول این سال‌ها از این نسل بسیار کم داشتیم که چنین نگاه متعهدانه‌ای نسبت به نسلی داشته باشد که به آن متعلق نبوده و این فیلم ادای دین بسیار بزرگی محسوب می‌شود، آن هم در شرایطی که بیشتر به دنبال سیاه‌نمایی‌ها هستند. این کارگردان با بیان اینکه در «ایستاده در غبار» ارزش‌ها و اسطوره‌ها به زیبایی به تصویر کشیده شده است، تأکید کرد: جای تقدیر از چنین نسل و جوان‌هایی وجود دارد و معتقدم حسین مهدویان می‌تواند یکی از پیش‌آوران عرصه سینمای ناب و تأثیرگذار تلقی شود. پدیده‌ای که آینده درخشانی در انتظار اوست و امثال چنین جوان‌هایی را باید در یافت؛ گوهرهایی که باید قدرشان دانسته شود. وی ادامه داد: این فیلم ۱۰ دقیقه‌ای که همه لحظاتش بازسازی شده، به زیبایی به تصویر کشیده شده و ساخت آن جسارت بزرگی را طلب می‌کند.

فیلم‌های اولی در گورس دستیابی  
به بهترین فیلم از نگاه تماشاگران

نتایج شمارش آرای مردمی در سومین روز از سی‌وچهارمین دوره جشنواره فیلم فجر در بخش سودای سیمیرغ با اعلام میزان آرای اخذ شده منتشر شد. نتایج آرای مردم نشان‌دهنده توجه مخاطبان به آثار فیلمسازان اولی بوده و در واقع رقابت اصلی میان فیلم‌های «ایستاده در غبار» و «ابد و یک روز» است. براساس اعلام کمیته رای‌گیری مردمی که زیر نظر خانه سینما فعالیت می‌کند فیلم‌های «ابد و یک روز» به کارگردانی سعید روستایی، «ایستاده در غبار» به کارگردانی محمدحسین مهدویان، «زدها وارد می‌شود» به کارگردانی مانی حقیقی، «بادیگارد» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا و «بارکد» ساخته مصطفی کیایی در صدر آرا هستند. آرای روز چهارشنبه بین ۲۳ فیلم و با اخذ ۱۷ هزار و ۷۹۶ رای بوده است. همچنین طبق داوری انجام‌گرفته روز سه‌شنبه ۱۳ بهمن ماه فیلم‌های «ابد و یک روز» به کارگردانی سعید روستایی، «زدها وارد می‌شود» به کارگردانی مانی حقیقی، «ایستاده در غبار» به کارگردانی محمدحسین مهدویان، «بارکد» به کارگردانی مصطفی کیایی و «لاتوری» به کارگردانی رضا درمیشیان بدون ترتیب و طبق حروف الفبا در ردیف بهترین فیلم‌ها از نگاه تماشاگران قرار گرفته است.

وزیر بهداشت به تماشای «بادیگارد»  
حاتمی‌کیانست

فیلم سینمایی بادیگارد ساخته جدید ابراهیم حاتمی‌کیا مورد توجه مخاطبان قرار گرفت و در ۴ سالن مردمی به سانس‌های فوق‌العاده رسید. همچنین فیلم‌های سینمایی «بارکد» در سینما فرهنگ و «ابد و یک روز» در سالن سینما کورش در سانس فوق‌العاده به نمایش درآمد. این در شرایطی است که فیلم «رسوایی ۲» تا شب سوم اکران در سینماهای مردمی هنوز نتوانسته به سانس فوق‌العاده دست یابد. علاوه بر حضور هنرمندان در سالن‌های مردمی، دولت‌مردان نیز برای دیدن برخی آثار به سالن‌های مردمی می‌آیند و در کنار مخاطبان برخی فیلم‌ها را به تماشای می‌نشینند که از جمله می‌توان به سیدحسین قاضی‌زاده‌هاشمی، وزیر بهداشت اشاره کرد. همچنین حسین فریدون (برادر رئیس‌جمهور و دستیار ویژه وی)، علی‌مطهری (نماینده مجلس شورای اسلامی) و سیدهادی ایازی (قائم‌مقام وزیر بهداشت در سینما کورش به دیدن فیلم سینمایی «بادیگارد» نشستند.

## مرتضی اسماعیل‌دوست: بی‌برنامگی‌ها

در اجرای جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر به نهایت خود رسیده و نشان از عدم توان مدیریتی برگزارکنندگان آن دارد. به نحوی که شرایط برگزاری پیرامون این دوره از جشنواره و نبود سازوکار مشخص در اداره جشنواره از سوی مجریان، شرایط موشکافی آثار را تحت‌الشعاع خود قرار داده و قلم را در مسیر نقد عملکرد مدیریت جدید جشنواره هدایت می‌کند. از تأخیر در اکران فیلم‌ها که در آخرین نمونه صورت یافته موجب به درازا کشیده شدن نمایش فیلم «لاتوری» تا ساعت ۳ نیمه‌شب شد تا عدم توان در هدایت مخاطبان به سالن سینما که برای فیلم مورد اشاره امکان ایجاد حادثه را در بر داشت؛ از نبود نظارت در شیوه و اجرای پذیرایی که صف‌های طولی را به دنبال داشته و موجب جا ماندن از رسیدن

به اکران فیلم‌ها می‌شود تا حضور انواع مخاطبان در سینمای برج میلاد بدون وجود هرگونه ارتباط پیرامون سینما و رسانه که شرایط استقرار نامناسبی را برای منتقدان و اهالی فعال در عرصه سینما به دنبال داشته است. جالب اینکه پیش از آغاز جشنواره و در میان سخنان رست‌گرایانه مدیران برگزاری، خبر از کاهش سهمیه رسانه‌ها جهت رفاه حال اهالی هنر و اصحاب رسانه بود اما آنچه پیداست کاهش سهمیه برخی رسانه‌ها مترادف با افزایش سهمیه افرادی دیگر بود و معادله همچنان به قوت خود باقی است؛ از سویی انتخاب انواع مشاوران توسط دبیر جشنواره سی‌وچهارم تنها نوعی بازآرگرمی تبلیغاتی محسوب شده و عنوان مدیریت کاخ جشنواره هم تنها در لیست معرفی‌ها ختم شده است، به نحوی که در روزهای اخیر برگزاری جشنواره تنها ۲ بار چهره به‌روز غریب‌پور مورد رونق گرفت که یکی هم هنگام گرفتن عکس یادگاری با محمدرضا عارف بوده است؛ آنچه مسلم است دبیر جدید جشنواره در رویکردی تجربه‌گرایانه به بزرگ‌ترین رویداد هنری کشور نگرینسته و هیچ‌گونه توجهی هم از سوی مدیریت روابط عمومی درباره مسائل پیش‌آمده صورت نمی‌گیرد تا شاهد مغضلات بسیاری در سالن‌های برج میلاد باشیم، جایی که می‌توان انواع افراد ناآشنا با مقوله فیلم و سینما را رویت کرد و مردمی را دید که هنگام بازدید از برج میلاد در حرکتی خانوادگی به تماشای فیلم‌ها هم می‌نشینند و طنز ظریفی است که باید جای سینمای رسانه‌ها و سینمای مردمی را تغییر یافته دانست. این در حالی است که حسین پارسایی که یکی از عناوین مطرح شده را با مشاور اجرایی کاخ جشنواره برعهده دارد در اعتراضی جالب اظهار کرده است: «با توجه به تعداد کارت‌های صادر شده برای دسترسی به برج میلاد، پیش‌بینی می‌شود که در روزهای آینده تعداد مراجعه‌کنندگان به برج میلاد بیشتر باشد!»

## «چیچی» به کارگردانی کریم لیک زاده

انگار دوافتاده‌ترین آثار با مادیوم سینما را در بخش هنر و تجربه این دوره از جشنواره قرار دادند که نه تجربه جدیدی به مخاطب مشتاق می‌دهد و سعید قاسمی: «آبنبات چوبی» نام فیلم ساخته شده جدیدی از محمدحسین فرحبخش بوده که در جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر حضور دارد و روز سه‌شنبه در سینماهای مردمی جشنواره به نمایش درآمد. البته این بار هم فرحبخش مانند فیلم «زندگی خصوصی» به روابط عاشقانه پنهانی و عواقب آن می‌پردازد. اگرچه او طبق گفته خودش اصلی‌ترین رسالت سینما را سرگرمی برای مخاطب می‌داند اما انگار سرگرمی نزد او به مواردی چون نمایش مواردی از خیانت و بی‌پندوباری در سینما برای بیننده خلاصه می‌شود و هیچ واژه‌ای برای نمایش هر نگاه سخنی آن هم با بدترین روش ساختاری و در مسیر فیلمسازی ندارد؛ همانطور که نام فیلم منعکس‌کننده ساختاری در سینمای پیش از انقلاب است و به‌عنوان نشانه‌هایی از سینمای غیرقابل پیشنهاد برای خانواده‌های معتقد و متدین ایرانی تبدیل شده است. به هر حال ندیده هم می‌توان از محصولات کمپانی این تهیه‌کننده سابق و به‌ظاهر کارگردان فعلی به سینمای وی بی‌برد و حالا جشنواره فیلم فجر و مسابقه «سودای سیمیرغ» را نه‌دهنده جدیدترین محصول غبارآلودی شده است. طبیعی است که محاصل چنین نگرش سطحی به سینما، فیلمی مشابه محصولات بالیوود خواهد شد. «آبنبات چوبی» از همان آغاز، خود را به‌عنوان فیلمی معمایی یا جنایی مطرح می‌کند. حال در کنار این داستان معمایی، حرفی که فرحبخش قصد دارد بزند، درباره معضلاتی است که در جامعه ما وجود دارد. فیلم روایتگر سرنوشت دو دختر جوان با نام‌های مارال (هنگامه حمیدزاده) و نگین (سحر قریشی) است که هر دو از نسوی مردهای پیرامون خود، با مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند یا در حال فرار از آنها هستند. جامعه‌ای که در آبنبات چوبی ترسیم می‌شود، اساساً یک جامعه مردسالار با تفاوت‌های اجتماعی است. در طول مدت زمان فیلم، حتی یک شخصیت مرد

## نقدی به آثار جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر

## عدم توان مدیریتی در اداره جشنواره



## «هفت ماهگی» به کارگردانی هاتف علیمردانی

فیلم‌ها منعکس‌کننده دغدغه‌ها و نگاه سازندگان خود هستند و برخی‌ها هم‌بایدگار آثاری می‌شوند که نادیده می‌توان نتیجه آنها را پیش‌بینی کرد. هاتف علیمردانی در آثاری مانند «مردن به وقت شهربور» نلسان داد می‌خواهد از طریق نشانه‌هایی فریبنده در دیالوگ و رفتار شخصیت‌هایش، مخاطب را مجذوب کند و «هفت ماهگی» هم در همین راستا حرکت می‌کند. از روابط غیرمتعارف اخلاقی و ارتباطاتی توجیه‌ناپذیر میان کاراکترها تا نمایش خیانت که با شیوه‌های سطحی گرایانه و بازی‌های نجسب و اجرایی سردستی مونتاژ شده است. داستانی رها شده و موقعیت‌هایی پیش‌بینی‌پذیر و پرداختی کودکانه که «هفت ماهگی» را به‌عنوان نمونه‌ای خارج از سینمای ایران قرار می‌دهد. در این میان فرار رو به جلوی کارگردان و تهیه‌کننده درباره ساخت چنین اثری، همراه با بهانه‌هاشدرسازی خانواده‌ها بوده و این همان توجیه رخ داده از سوی تهیه‌کننده‌ای چون منصور لشگری‌قوچانی هنگام اکران فیلم «عصر یخبندان» بوده که تنها برای افراد کوتاه‌فکر می‌تواند مورد قبول قرار گیرد!

## «ایستاده در غبار» به کارگردانی محمدحسین مهدویان

محمدحسین مهدویان را می‌توان پدیده این دوره از جشنواره پنداشت که نشانه‌ای از فیلمسازی کاربلد و متعهد در فیلمسازی را با ساخت فیلم «ایستاده در غبار» بروز داده است. تجربه‌های مستند-داستانی و البته اجرای ارزنده سعید روستایی، ایدهای ساده را تبدیل به اثری خوش‌ساخت کرده است. در این فیلم، سمیه دختر کوچک خانواده که قرار است از زور فقر به همسری مردی افغان درآید به عنوان محور درام قرار گرفته و از این رو ایفاگر همان کارکرد «پسند» در فیلم «به حبه قند» است. با همه پرداخته‌های موثر شخصیت‌های فیلم «ابد و یک روز» گاه شاهد خارج شدن درام از هسته اصلی خود در جهت دستیابی به ذائقه مخاطب می‌شویم و روایت از این باب دچار ضربه می‌شود.

## نگاهی به فیلم «آبنبات چوبی» ساخته محمدحسین فرحبخش در جشنواره فیلم فجر

## اندیشه فیلمفارسی در جشن سیمیرغ!



نرمال به چشم نمی‌خورد، به همین دلیل با فیلمی مردستیز مواجه خواهیم بود. فیلمساز برای پرداختن به معضلات و مناسبات قدرت، میان جنسیت‌های مخالف، از زبانی استفاده می‌کند که تماماً منعقدند. از نکات جالب توجه، سکانسی است که نگین در حال تماشای فیلم «تلما و لوبیز» است، فیلمی که درونمایه‌ای فمینیستی دارد و به مسائل و مشکلات زنان آمریکایی در دهه ۹۰ می‌پردازد. این سکانس یا به این معناست که فیلمساز ادعای احقاق حق یا آسیب‌شناسی مشکلات زنان در جامعه ایرانی را دارد. یا به معنای الگوپذیری کاراکتر نگین از لوبیز است اما در هر دو صورت فیلم دچار ضعف و ایراد می‌شود. در مورد اول، نحوه پرداخت به مشکلات و زاویه دید فیلمساز کاملاً متناقض به نظر می‌رسد و بحث آسیب‌شناسی درباره معضل فقر و ارتباط آن با انحراف یک دختر جوان کاملاً منفی است. در مورد دوم، شخصیت نگین به صورت تیپیکال پردازش می‌شود

به تصویرنمایی دست زده است. اگر چه فیلم در میانه دچار پراکنده‌گویی‌هایی در روایت می‌شود اما قالب و شکل روایی و باورمندی موقعیت نزد مخاطب را می‌توان جزو موفقیت‌های قابل توجه در اثر عنوان کرد.

■ «تیمرخ‌ها» ساخته ابرج کریمی درننگ است به تماشای فیلمی بنشینتی که فیلمسازش دیگر در قید حیات نیست و چه شیرین است برای هنرمندی که آثارش پس از ترک دنیا همچنان به پرواز درمی‌آید. «تیمرخ‌ها» آخرین ساخته ابرج کریمی بوده که جزو معدود منتقدان باسواد سینما بوده اما ساخته‌هایش رنگی مغایر با آثار نقادانه‌اش دارد. «تیمرخ‌ها» سعی بر شاعرانگی از طریق کلامی موزون و تصویری وهم‌گون دارد اما نمی‌تواند ایده قابل توجه خود را به سرمزنی

ارزنده هدایت کند که مهم‌ترین مساله آن نابابوری پرداخت شخصیت‌ها بوده که موجب دورماندگی از باور مخاطب می‌شود. داستانی همسوی با زیست فیلمسازش که درباره کاراکتری به نام مه‌ران است که به دلیل بیماری سرطان آخرین روزهای زیستن را با شوق اشتیاق دیدن، خواندن و بوییدن طی می‌کند. قصه تقدیر و شیون زندگی در مرز آگاهی که گاه ارجاعاتی نامنظران با هسته اصلی خود می‌یابد؛ آنجا که ستریز با بودن و شدن به خاکریز تقسیم و در واقع جدال عشق‌قورزی به مه‌ران میان مادر و همسرش می‌انجامد و جنگی نامتقارن و بی‌پهلو درمی‌گیرد، در حالی که مساله فیلم درباره چگونه زیستن و مردن و نیز نبرد جبر و اختیار است. آنگاه که جبر با تنبک گذر زمان در حال نواختن و تکرار است و اختیار غرق در شاعرانگی است. روایت غیرخطی فیلم و انگارهای چندین جولان یافته از هستی و نیستی، تفسیری جنتی پهلو به آخرین ساخته ابرج کریمی بخشیده که همچون خواب سنگین صبحگاهی است که گاه کابوس زمستن شده و گاه به شطرنج رقابت با خیال‌ها درمی‌افتد. از این رو شطرنج مه‌ران با هم‌ایون در فیلم ارجاعی به شطرنج شوالیه و عزرائیل در فیلم درخشان «مهر هفتم» ساخته اینگمار برگمان دارد. با این وجود «تیمرخ‌ها» به دلیل عدم پرداختی مشخص از شخصیت‌ها به رخ‌نمایی مناسبی نزد مخاطب نمی‌رسد.

■ «فقس» ساخته ترگس آبیار آبیار در فیلم «فقس» سعی بر ساخت فیلمی متفاوتی داشته اما با همه نوآوری‌ها، نتیجه‌ای شکست خورده عاید فیلم و فیلمساز می‌شود. از دوربین روی دست آزاردهنده فیلم که مثلاً می‌خواهد بدون شعارگرایی‌های مرسوم و ادعاهایی گرافه‌گویانه هم‌راستا با صادق‌انگ می‌نویسد. تلفیقی از صدای حقیقی شخصیت‌ها در کنار ترسیم شخصیت‌ها و چهره‌پردازی و بازی‌هایی هم‌راستا با شخصیت‌هایی واقعی، تجربه‌ای جدید را در «ایستاده در غبار» رقم زده است. این فیلم را می‌توان با توجه به پرداختی واقع‌گرایانه و بافت فیلتری تصویر و شکل قاب‌بندی اثری مستند دانست که با زبانی سینمایی

## ظرافت‌های صداگذاری در فیلم

## «ایستاده در غبار»

مهرداد ملکوتی، صداگذار فیلم سینمایی «ایستاده در غبار» درباره ویژگی‌های ضبط صدا در این فیلم و استفاده از صدای واقعی جوادپلاتر احمد متوسلیان گفت: استفاده از صدای اصلی شخصیت‌های اصلی فیلم، ایده کارگردان بود، من هم از آن استقبال کردم. یکی از ویژگی‌های جالب این فیلم سینمایی این است که مخاطب آن چیزی که جلوی کادر دوربین می‌بیند، نمی‌شنود و باید صدای اطراف را بشنود. در واقع مخاطب زمانی صدای کاراکترها را در فیلم می‌شنود که بتوان از صدای اصلی آنها استفاده کرد. وی افزود: به‌عنوان مثال برای صداسازی در سکانس‌های بیمارستان باید به این مساله توجه می‌کردیم که در دوران جنگ در بیمارستان‌ها چه نوع صداهایی شنیده می‌شد. به‌عنوان مثال در آن زمان و آن مکان مورد نظر، اگر قرار بود اسمی یا اطلاعاتی در یک بیمارستان بیخ شود، معمولاً توسط یک آقا پیچ می‌شد. این صداگذار با اشاره به صداهای ضبط شده در این فیلم توضیح داد: در این فیلم نزدیک به ۸۰ درصد صداهای ضبط شده بود و تنها ۲۰ درصد از صداهای آرشیوهای موجود استفاده شده است. وی ادامه داد: در طول کار، لیستی از صداهای مورد نیاز برای این فیلم تهیه شد که در ۳ جلسه افراد مختلفی را برای گرفتن صداهای مورد نظر بسیج کردیم. به‌عنوان مثال در سکانس‌هایی که نیاز به گویش کردی داشتیم از افرادی با صداهای کردی استفاده کردیم. وی ادامه داد: در صحنه‌های جنگی که بخش کمی از سکانس‌های فیلم را شامل می‌شود، هم از صداهای «روایت فتح» و هم از صداهای جدیدی که ضبط شده استفاده شده است زیرا قرار است بیننده در سینما با دیدن این فیلم تحت تأثیر قرار گیرد. صداهای قدیمی مانند صدای «روایت فتح» بیشتر مستند است و مناسب یک فیلم سینمایی نیست اما در این فیلم صدا شرایطی را فراهم می‌کند تا مخاطب شرایط فیلم را کاملاً حس کند.

## لاله افتخاری، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی:

رویکرد دامال جشنواره فیلم فجر  
نسبت به دفاع مقدس مثبت است

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی گفت: هر کدام از شهدای بزرگوار کشور برگی از تاریخ بشریت هستند و پرداختن به آنها یک توفیق می‌خواهد و یک ارزش محسوب می‌شود. به گزارش فارس، لاله افتخاری عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در حضور در برج میلاد و پس از تماشای فیلم «ایستاده در غبار» به کارگردانی محمدحسین مهدویان گفت: به آقای ایوبی رئیس سازمان سینمایی به علت اینکه رویکرد آنها نسبت به فیلم‌ها و آثار سینمایی و مستند با موضوع دفاع مقدس و مقاومت در این دوره از جشنواره پررنگ است تبریک عرض می‌کنم. افتخاری به لزوم توجه به فیلم‌های حوزه دفاع‌مقدسی اشاره کرد و ادامه داد: توجه به فیلم‌هایی که واقعیت دوران دفاع‌مقدس را منتقل می‌کنند و موجب انتقال فرهنگ به جامعه می‌شود امر بسیار خوب و پسندیده‌ای است. وی در پایان تصریح کرد: امروز نخستین بازدید من از جشنواره است، سعی می‌کنم روزهای آینده باز هم به جشنواره فیلم فجر سر بزنم و کارهای بیشتری را مشاهده کنم.

فرزاد مومتن در نشست خبری فیلم «آخرین بار کی سحر را دیدی؟»  
قرار نیست این فیلم‌ها خیلی مهم باشند

نشست‌های خبری آثاری که روز پیش در کاخ رسانه‌ای برج میلاد به اکران درآمده است، هر روز صبح با حضور خبرنگاران و عکاسان و عوامل فیلم‌ها برگزار می‌شود و نشست فیلم «آخرین بار کی سحر را دیدی؟» با گفته‌های فرزاد مومتن، کارگردان این فیلم وارد فضای جالبی شد. مومتن در این نشست درباره آخرین ساخته سینمایی‌اش گفت: من یک فیلمساز مثل فیلمسازان قدیمی هستم و قرار نیست جهان مشخصی داشته باشم، اصلاً چنین دغدغه‌ای ندارم. من فقط فیلم می‌سازم و قرار نیست این فیلم‌ها خیلی مهم باشند، فقط قرار است دوستان داشته باشیم. وی اشاره داشت بین فیلم‌هایش، «سایه روشن» و «صداها» از همه بهتر هستند. مومتن موفقیت یا عدم موفقیت در گیشه را بسته به نحوه و مدیریت اکران دانست و افزود: فیلم «خداحافظی طولانی» خیلی اکران محدودی داشت و با ۱۲ فیلم فقط در سانس‌های چرخشی اکران شد اما به‌رغم این مسائل بد نبود، فیلم «سایه روشن» هم الان در هنر و تجربه در حال اکران است.



تا یک شخصیت یا تیپ هر چه وضعیت بحرانی‌تر و ناپایدارتر می‌شود، واکنش‌های برادر مارال متغلاانه و متناقض با کنش‌های ابتدایی او قرار می‌گیرد. فیلم مورد در قیال مادر مارال و شخصیت مریم هم کاملاً محسوس است. در پایان فیلم، خانواده‌ای که دخترش را از دست داده است خیلی ریلکس‌تر از چیزی که باید باشد به نظر می‌رسد. پس از خروج مارال از خانه بزرگ‌ترین مساله‌ای که مخاطب را آزار می‌دهد مساله زمان است. زمانی که مشخص نیست چقدر از آن گذشته است. رفت و برگشت‌های بی‌جهت در زمان داستان وضع بحرانی مارال و خانواده او را بسط نمی‌دهد بلکه از شدت آن به مرور کاسته می‌شود. گرافکنی‌ها و گرگ‌گشایی‌ها بعد از وقوع قتل در فیلم، بسیار سطحی‌تر از چیزی هستند که در پارادایم‌های سینمای معمایی مرسوم و اثرگذار است. اتفاقات و کشمکش‌های بین کاراکترها از روابط علت و معلولی بهره نمی‌برد. اصلاً مساله خروج از کشور توسط مارال چه بود و چرا در داستان رها شد؟ نظیر این سوال به وفور در فیلم یافت می‌شود. فیلمساز تکلیف خودش را با قصه‌اش و زاویه دید خود نمی‌داند. ایرادات یادشده به جایی ختم می‌شود که بعد از گرگ‌گشایی و افشای راز مارال مخاطب با یک فیلمفارسی روبرو می‌شود. نحوه باج‌گیری نگین از فرهاد و آن انتقام‌پایانی در حضور مادر مارال و شخصیت مریم هم کاملاً فیلمفارسی‌های دهه ۴۰ سینمای ایران است. مساله دیگر درباره نحوه انتخاب بازیگران است. انتخاب رضا عطاران برای ایفای نقش فرهاد، نادرست‌ترین تصمیم در این زمینه است. شقایق فراهانی با گرم نامطلوبش، در نقش مادر نگین قابل قبول نیست. در مجموع، همانطور که انتظار می‌رفت «آبنبات چوبی» فیلمی کم‌ارزش است که ارزش دیدن ندارد. اگر چه باید پیش‌بینی کرد طبق اتفاقات گذشته با جنجال‌های این تهیه‌کننده باز هم باید «آبنبات چوبی» را یکی از گزینده‌های بهترین فصل اکران در بهار دانست!